

Investigating the Relationship between the Institutional Investors' Distraction and Tax Avoidance

Seyed Ali Vaez 

Associate Professor of Accounting, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran,
sa.vaez@gmail.com

Rahim Bonabi Ghadim* 

Asistance Prof in Accounting, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.
r_bonabi@iau-maragheh.ac.ir

Mohammad Hosein Ghalambor 

Educator of Accounting, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran,
mh.ghalambor@scu.ac.ir

Ali Ghannad 

Ph.D. Candidate, Departement of Economics, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran,
a-ghannad@stu.scu.ac.ir

Abstract

Purpose: The scope of this study is to investigate the effect of institutional shareholders' regulatory aspect on joint stock companies on topic of tax reductive policies. Since institutional shareholders are usually large and powerful shareholders of companies, it is natural that increase or decrease in their regulatory aspect has such a significant impact on managerial behaviors.

Method: In this study, data from 83 companies listed in Tehran Stock Exchange between years 2012 and 2019 were gathered and analyzed.

Results: Results of the first and the second hypotheses of the research indicate that there is an inverse and significant relation between institutional shareholders' distraction and the effective rate of tax on cash and total book-tax differences, and the results of the third and the fourth hypotheses of the research indicate that in large corporations, relation between the mentioned variables is different.

Conclusion: The findings of the present study suggest that within the examined firms, the institutional shareholders' distraction results in the equitable determination of tax liabilities, albeit coupled with tax evasion. Additionally, in larger corporations, the distraction and neglect of institutional shareholders contribute to the fair recognition and payment of taxes. This is attributed to the propensity of institutional shareholders to evade both the identification and settlement of tax obligations.

Contribution: In the context of this study, the influence of institutional shareholders' distraction emerges as a novel variable. Given that this variable, which is a significant mechanism of corporate governance, has not been previously quantified in relation to tax avoidance, it offers a potential explanation for observed market phenomena.


Keywords: Institutional Investors' Distraction, Institutional Shareholders, Tax Avoidance.

Research Article

Cite this article: Vaez, Bonabi Ghadim, Ghalambor & Ghannad (2024) Investigating the Relationship between the Institutional Investors' Distraction and Tax Avoidance, Journal of Financial Accounting Knowledge, Vol.10, NO.4, Winter, 57- 79.

DOI: 10.30479/jfak.2024.19703.3154

Received on 15 December, 2023 **Accepted on** 12 March, 2024

© The Author(s). 

Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Rahim Bonabi Ghadim (r_bonabi@iau-maragheh.ac.ir)

بررسی ارتباط بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی

سیدعلی واعظ^۱

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، sa.vaez@gmail.com

رحیم بنایی قدیم^{۲*}

استادیار حسابداری، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران، r_bonabi@iau-maragheh.ac.ir

محمدحسین قلمبر^۳

مری گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، mh.ghalambor@scu.ac.ir

علی قناد^۴

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، a-ghannad@stu.scu.ac.ir

چکیده

هدف: هدف از اجرای این پژوهش بررسی تاثیر کاهش بعد نظارتی سهامداران نهادی شرکت‌های سهامی بر سیاست‌های تقلیل‌دهندگی مالیات می‌باشد. از آنجاییکه سهامداران نهادی معمولاً سهامداران بزرگ و قدرتمند شرکت‌ها محسوب می‌شوند، طبیعی است که افزایش یا کاهش بعد نظارتی آنان بر رفتارهای مدیریتی تاثیر بسزایی دارد.

روش: در این پژوهش، از داده‌های ۸۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران حد فاصل سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۸ استفاده شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش گویای این است که بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی با معیارهای نرخ موثر مالیات نقدی و تفاوت مالیات دفتری رابطه منفی و معناداری وجود دارد ولی در شرکت‌های بزرگ رابطه بین انحراف توجه سهامداران نهادی با معیار نرخ موثر مالیات نقدی رابطه منفی اما با معیار تفاوت مالیات دفتری رابطه مثبت مشاهده گردید.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش گویای این است که در جامعه آماری پژوهش کم توجهی و کاهش نظارت سهامداران نهادی منجر به شناسایی منصفانه‌تر هزینه مالیات می‌گردد ولی پدیده انحراف توجه (کم توجهی) سهامداران نهادی باعث می‌شود که اجتناب در پرداخت نقدی مبلغ مالیات افزایش یابد. ضمناً در شرکت‌های بزرگ انحراف توجه سهامداران نهادی منجر به شناسایی و پرداخت منصفانه مبلغ مالیات می‌شود، زیرا سهامداران نهادی شرکت‌های بزرگ متقاضی اجتناب در هر دو مقطع شناسایی و پرداخت مالیات می‌باشند.

دانش‌افزایی: در این پژوهش با توجه به اینکه تاکنون تاثیر انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی که متغیر جدیدی بوده بر اجتناب مالیاتی سنجیده نشده است، نتایج این پژوهش می‌تواند جهت تبیین پدیده‌های بازار در حالت خاص کم توجهی و عدم نظارت سهامداران نهادی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: انحراف توجه سهامداران نهادی، اجتناب مالیاتی، سهامداران نهادی.

مقاله پژوهشی

*استناد: واعظ، بنایی قدیم، قلمبر و قناد (۱۴۰۲)؛ بررسی ارتباط بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی، فصلنامه علمی دانش حسابداری

مالی، مقاله پژوهشی، دوره ۱۰، شماره ۴، پیاپی ۳۹، زمستان ۱۴۰۲، ۵۷-۷۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) © حق مؤلف نویسندگان



۱- مقدمه

مالیات یکی از منابع اصلی درآمدی تمام دولتها است که همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد عدالت اجتماعی کشورها دارد. دولتها که به موجب قانون اساسی نماینده عموم آحاد جامعه هستند وظیفه دارند خدماتی به عموم شهروندان و آحاد جامعه ارائه نمایند که اشخاص حقیقی و بنگاه‌های خصوصی قادر به ارائه این خدمات نیستند. این خدمات از قبیل امنیت مرزها، ایجاد جاده‌ها و راه‌های ارتباطی، بهداشت عمومی و غیره می‌باشد که تامین این خدمات در سطح عموم جامعه مستلزم داشتن منابع درآمدی کافی نزد دولتها است (زهی و محمدخانی، ۱۳۸۹: ۲۵). دولتها طبیعتاً برای کسب درآمد به طرق مختلفی متوسل می‌شوند که تامین درآمد از طریق مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم که از اشخاص مختلفی اخذ و وصول می‌شود یکی از مهمترین و اصلی‌ترین نحوه کسب درآمد آنها محسوب می‌شود. یکی از مهمترین اشخاص پرداخت‌کننده مالیات به دولتها، اشخاص حقوقی یا همان شرکت‌های تجاری (شرکت‌های سهامی، تضامنی و غیره) هستند که البته شرکت‌های سهامی نقش بسیار پررنگ‌تری در فرآیند پرداخت مالیات دارند. شرکت‌های سهامی به دلیل بزرگی و وسعت حجم عملیات و نقش بسیار قابل توجه آنان در تولید درآمد ناخالص ملی، معمولاً مهمترین پرداخت‌کنندگان مالیات تمام کشورها هستند. البته همانطوری که انگیزه اخذ حداکثری مالیات از شرکت‌ها نزد دولتها وجود دارد، در شرکت‌ها این انگیزه برعکس می‌شود، یعنی شرکت‌ها معمولاً انگیزه پرداخت حداقلی مالیات را دارند. این تفاوت انگیزه اخذ حداکثری مالیات و پرداخت حداقلی مالیات به منطبق تئوری نمایندگی برمی‌گردد. طبق منطق تئوری نمایندگی مدیران شرکت‌ها که مرجع تصمیم‌گیری شرکت‌ها هم هستند، با سهامداران و سایر ذینفعان تضاد منافع داشته و مدیران شرکت همواره سعی می‌نمایند از طریق استفاده شخصی و خصوصی از منابع موجود در شرکت، ثروت خود را حداکثر نموده که این تلاش مداوم مدیران موجب تضییع منافع سایر ذینفعان شرکت از جمله سهامداران و دولت‌ها می‌شود (جنسن^۱، ۱۹۸۶: ۳۲۳). اصولاً شرکت‌ها دارای ذینفعان متعددی نظیر سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان، دولت‌ها، مدیران و عموم جامعه هستند که بطور طبیعی انتظار بر اینست که چنانچه شرکت‌ها درست و منصفانه اداره شوند، کلیه ذینفعان از سود و منافع حاصل از فعالیتهای تجاری شرکت‌ها منتفع شده و حقوق هیچکدام ضایع نگردد. اما به دلیل اختیارات وسیع مدیران و البته انگیزه حداکثر کردن منافع شخصی نزد آنان باعث می‌شود که تدریجاً و در گذر زمان این مدیران به سمت رفتارهای فرصت‌طلبانه و مضر به منافع سایر ذینفعان حرکت کرده و تمایل به تضییع حقوق سایر ذینفعان بنمایند (عبدلی و حیدری، ۱۴۰۰: ۹۰).

برای اینکه این رفتار مخرب مدیران کنترل‌شده و مانع تضییع حقوق سایر ذینفعان شرکت‌ها شوند، از طرف قانون‌گذاران تدابیری اتخاذ شده و روش‌ها و ساز و کارهایی اعمال می‌شود که به مجموعه این ساز و کارها اصطلاحاً نظام راهبری شرکتی گفته می‌شود. نظام راهبری شرکتی

به مجموعه روش‌هایی گفته می‌شود که هدف از اعمال این روش‌ها، اطمینان از اداره صحیح و منصفانه شرکت‌ها بوده و سعی می‌گردد از این طریق حقوق کلیه ذینفعان تامین گردد (بزرگ‌اصل و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۰۸). طبیعی است که ضامن طول عمر و تداوم فعالیت شرکت‌ها، تامین منافع کلیه ذینفعان و بازیگران اقتصادی در سطح شرکت‌ها بوده و عدم رضایت و عدم ایفای نقش هر کدام از بازیگران اقتصادی (قطع خدمات از طرف ذینفعان به شرکتها) موجب به خطر افتادن سلامت مالی و ورشکستگی شرکت‌ها می‌گردد.

یکی از موثرترین ابزارهای راهبری شرکتی نقش نظارتی سهامداران نهادی می‌باشد. سهامداران نهادی به دلیل داشتن توان اقتصادی کافی و نفوذ سیاسی قابل توجه، به راحتی قادر هستند که رفتارهای مخرب مدیریت را کنترل کرده و مانع تضییع حقوق ذینفعان شرکت شوند (دای^۲ و همکاران، ۲۰۱۷: ۵۹۱). البته این قدرت قابل ملاحظه سهامداران نهادی گاهی شرکت را وادار به حرکت به سمت سلامت اقتصادی و گاهی آن را وادار به حرکت به سمت تامین منافع شخصی این سهامداران می‌نماید (بسته به نحوه بکارگیری قدرت و نفوذ سهامداران نهادی). در این پژوهش به نکته جدید و خاصی پرداخته شده که اصطلاحاً انحراف توجه سهامداران نهادی می‌باشد. انحراف به توجه سهامداران نهادی به این معناست که سهامداران نهادی امکان دارد در مقاطعی کوتاه‌مدت، از بذل توجه کافی به بخشی از سرمایه‌گذاری‌های خود غفلت نموده و تمام توجه خود را تنها به بخش خاصی از سرمایه‌گذاری‌های خود معطوف نمایند و این کم‌توجهی موقت سهامداران نهادی مانع رصد و کنترل رفتارهای مدیریت می‌گردد که احتمال دارد منجر به تبعات نامطلوبی گردد (کمپف^۳ و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۶۶۷). لازم به ذکر است که کم‌توجهی سهامداران نهادی در مواقعی رخ می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاری‌های سبد سهام سهامداران نهادی دارای بازده غیرعادی (اعم از مثبت و منفی) شوند و وقوع این رخداد باعث می‌شود که حداکثر توجه سهامداران نهادی به سمت سرمایه‌گذاری‌های مذکور متمایل گردد تا علت بازدهی غیرعادی سرمایه‌گذاری‌های مذکور را درک نمایند و این توجه حداکثری به سمت چنین سرمایه‌گذاری‌هایی موجب کم‌توجهی نسبت به سایر سرمایه‌گذاری‌ها (که دارای بازدهی غیرعادی نشدند) می‌شود. بنابراین هدف از اجرای این پژوهش بررسی تاثیر کاهش بعد نظارتی سهامداران نهادی شرکت‌های سهامی بر سیاست‌های تقلیل‌دهندگی مالیات می‌باشد و به دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشد که آیا کاهش نقش سهامداران نهادی موجب تغییر در سیاست‌های مالیاتی شرکت‌های ایرانی می‌شود یا خیر. از آنجائیکه سهامداران نهادی معمولاً سهامداران عمده و قدرتمند شرکت‌ها محسوب می‌شوند، طبیعی است که افزایش یا کاهش بعد نظارتی آنان بر رفتارهای مدیریتی و از جمله سیاست‌های مالیاتی تاثیر بسزایی دارد. ضمناً هدف دوم این پژوهش نیز کنکاش پیرامون تفاوت کاهش نقش نظارتی سهامداران نهادی بر رفتارهای مالیاتی شرکت‌های بزرگ و کوچک می‌باشد. انتظار بر این است که در فضای کم‌توجهی سهامداران

نهادی و کاهش نقش نظارتی آنان میدان عمل برای رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت مهیا شده و به طبع آن سیاست‌های مالیاتی شرکت تحت تاثیر قرار گیرد.

۲- مبانی نظری

طول عمر و تداوم فعالیت شرکت‌ها همیشه در کانون توجه بازیگران اقتصادی بوده و مرتفع نمودن خطر ورشکستگی همواره از اهداف بلندمدت دولتها و سیاستگذاران کلان اقتصادی کشورها می‌باشد. تداوم فعالیت شرکت‌ها به معنای تولید و کسب سود بیشتر، پرداخت سود سهام و مالیات بیشتر و ایجاد اشتغال و رفاه عمومی برای آحاد جامعه می‌باشد. طبیعتاً اداره صحیح و منصفانه شرکت‌ها ضامن تداوم فعالیت آنان می‌باشد و منصفانه اداره کردن شرکت‌ها در گروهی رعایت حقوق کلیه ذینفعان و کسب رضایت کلیه آنهاست. اصولاً ذینفعان شرکت‌ها از طیف وسیعی مانند سهامداران، وام‌دهندگان، دولت، مدیران، کارکنان و عموم جامعه تشکیل شده که همه این طبقات به نحوی ذینفعان و مرتبطين شرکت‌ها محسوب می‌شوند که مدیران موظفند شرکت‌ها را به شکلی اداره نمایند که منافع آنها تامین شوند تا خدمات خود را از شرکت‌ها دریغ نمایند.

برای اطمینان از اداره صحیح و منصفانه شرکت‌ها، تدابیر و روش‌های اتخاذ شده است که اصطلاحاً به مجموعه این روشها نظام راهبری شرکتی اطلاق می‌گردد، (بزرگ‌اصل و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۰۸). نظام راهبری شرکتی با این هدف پیش‌بینی و اعمال می‌شود تا مانع بروز رفتارهای مخرب و فرصت طلبانه مدیران شرکت‌ها گردد، زیرا مدیران به دلیل داشتن اختیارات وسیع عملیاتی و البته به دلیل داشتن انگیزه حداکثر کردن منافع شخصی، تدریجاً به سمت اداره غیرمنصفانه شرکت‌ها متمایل شده و سعی می‌نمایند به قیمت تضییع حقوق سایر ذینفعان، منافع شخصی خود را حداکثر نمایند. اگر قانون‌گذاران با تدابیری که اتخاذ می‌کنند بتوانند انگیزه‌ها و رفتارهای مخرب مدیریت را کنترل نموده و مانع استفاده شخصی و خصوصی مدیران از منابع درونی شرکت‌ها گردند، مشکلات نمایندگی مرتفع می‌گردد و چنانچه این مهم انجام شود، طبیعتاً انتظار بر این است که سهامداران سود سهام عادلانه دریافت نموده، دولت‌ها مالیات عادلانه وصول نمایند و سایر ذینفعان نیز به طور عادلانه و منصفانه منتفع شوند. اما طبیعتاً در صورت عدم نظارت و کنترل موثر بر رفتار مخرب مدیریت، مبالغ سود سهام و مالیات و سایر مبالغ پرداختی به ذینفعان غیرمدیریتی منصفانه و عادلانه محاسبه و پرداخت نمی‌شود.

ابزارهای نظام راهبری شرکتی از جمله نقش نظارتی سهامداران نهادی می‌تواند این وظیفه بسیار مهم را برای کلیه ذینفعان اجرا کرده و ضامن سلامت مالی شرکت‌ها گردند. همانطوری که قبلاً ذکر گردید سهامداران نهادی به دلیل داشتن توان اقتصادی بالا و نفوذ سیاسی قابل توجه از موثرترین ابزار کنترل رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت محسوب می‌شوند. این سهامداران که معمولاً سهامداران عمده هم محسوب می‌شوند (بدلیل درصد قابل توجه سرمایه‌گذاری) هم توان

اقتصادی کافی داشته و هم از کادر مجرب تخصصی برخوردار بوده و قادر هستند اطلاعات صورت‌های مالی منتشر شده شرکت‌ها را بخوبی تحلیل نمایند و مانع از ارائه ارقام جعلی و فریب‌آمیز گردند (دای و همکاران، ۲۰۱۷: ۵۹۱). در خصوص نقش سهامداران نهادی به طور کلی دو فرضیه نظارت موثر و منافع شخصی وجود دارد. در فرضیه نظارت موثر ادعا می‌شود که سهامداران نهادی به دلیل داشتن قدرت و تخصص کافی، به عنوان کنترل‌کننده‌ای امین و حافظ منافع سایر ذینفعان ایفای نقش نموده و مدیران را به سمت گزارشگری منصفانه سوق می‌دهند (شلیفر و ویشنی^۴، ۱۹۸۶: ۴۷۱). در فرضیه منافع شخصی برعکس مطالب ذکر شده قبلی صحبت می‌شود. یعنی طبق این فرضیه ادعا می‌شود که سهامداران نهادی از قدرت، دانش و نفوذ کافی خود در جهت کسب منافع شخصی استفاده می‌نمایند و مدیران شرکت‌ها را وادار می‌نمایند بنحوی گزارشگری اطلاعات انجام دهند که با منافع شخصی آنان تضاد نداشته باشد (کیم^۵، ۱۹۹۳: ۷۵۲). اینکه منطق کدام فرضیه واقع بینانه‌تر است به محیط اقتصادی و تجاری شرکت‌ها بستگی دارد. یکی از جنبه‌های آثار مخرب رفتار مدیریتی که باعث ناخرسندی مقامات دولتی (خصوصاً مالیاتی) می‌شود، رفتار مالیات‌گریزانه مدیریت است. در مواردی مشاهده شده است که مدیران (و در مواقعی با حمایت سهامداران) تمایل به کاهش مبلغ مالیات داشته و پرداخت مبلغ منصفانه مالیات را مغایر با حداکثر کردن ثروت سهامداران و منافع شخصی خود ارزیابی می‌کنند. مدیران به دو طریق قانونی و غیرقانونی می‌توانند میزان مالیات بر سود شرکت‌ها را کاهش دهند که اصطلاحاً به کاهش مالیات از طرق قانونی (مثل استفاده از خला‌های قانونی یا استفاده از معافیت‌های مالیاتی) اجتناب مالیاتی و به کاهش مالیات از طرق غیرقانونی (مثل ارائه نادرست درآمدها و یا ارائه نادرست هزینه‌ها) فرار مالیاتی می‌گویند. علاوه بر مطالب گفته شده مدیران می‌توانند در دو مقطع شناسایی و پرداخت مبلغ مالیات، اعمال اراده نموده و از شناسایی یا پرداخت منصفانه مالیات جلوگیری نمایند. طبیعی است که تمایل به کاهش مالیات در راستای تضاد منافع بین مدیران و سایر ذی‌نفعان بوده و موجب تبعات ناخوشایندی برای شرکت‌ها و نفع‌برندگان آن می‌شود. واضح است که هرچه نظارت بر رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت بیشتر شود، احتمال بروز رفتارهایی مغایر با منافع سایر ذی‌نفعان و البته منافع عمومی کاهش می‌یابد. در این پژوهش علاوه بر مطالب گفته شده به بخش بخصوصی توجه شده که اصطلاحاً انحراف توجه سهامداران نهادی نامیده می‌شود که موجب نوآوری و پژوهش نیز شده است. انحراف توجه سهامداران نهادی بدین معناست که این سهامداران معمولاً در تعداد زیادی از اوراق سهام و در صنایع متفاوتی سرمایه‌گذاری می‌نمایند و مشکلات آنان این است که نمی‌توانند بطور همزمان حداکثر توجه خود را به تمام شرکت‌هایی که سهام آنان را خریداری نمودند، مبدول نمایند و در نتیجه جبراً حداکثر توجه آنان تنها به سمت سهام‌هایی که دارای بازدهی غیرعادی (مثبت یا منفی) هستند، متمایل شده و به سایر سرمایه‌گذاری‌های خود

توجه حداقلی می‌نمایند و این کم‌توجهی آنان زمینه را برای بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران شرکت‌های مذکور هموار می‌نمایند (کمپف و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۶۶۷). علت توجه حداکثری به سمت سرمایه‌گذاری‌هایی که دارای بازدهی غیرعادی هستند این است که سهامداران نهادی سعی می‌کنند علت بازدهی غیرعادی مثبت و منفی سهام خود را درک نمایند تا قادر به واکنش مناسب نسبت به سرمایه‌گذاری‌های مذکور گردند یعنی حسب مورد نسبت به کسب سود بیشتر (در مواردی که بازدهی غیرعادی مثبت ایجاد شده باشد) یا پرهیز از زیان بیشتر (در مواردی که بازدهی غیرعادی منفی ایجاد شده باشد) اقدام نمایند که این توجه حداکثری نسبت به برخی از سرمایه‌گذاری‌ها موجب غفلت و کم‌توجهی نسبت به سایر سرمایه‌گذاری‌ها (سرمایه‌گذاری‌هایی که دارای بازدهی غیرعادی نیستند) می‌گردد. از آنجایی که مدیران بصورت نهفته انگیزه شخصی منفعت‌طلبی حداکثری دارند، این کم‌توجهی سهامداران نهادی موجب می‌شود مبالغ پرداختی به سایر ذینفعان نظیر سود سهام و مالیات منصفانه محاسبه و پرداخت نگردد.

هونگ و کائو^۶ (۲۰۲۳) به بررسی انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و چسبندگی پاداش مدیران با روش تحلیل رگرسیون چندگانه در شرکت‌های چینی طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که انحراف توجه سهامداران نهادی چسبندگی پاداش مدیران را افزایش می‌دهد. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که حاکمیت شرکتی خارجی، محتوای اطلاعاتی قیمت سهام و اضطراب مدیریت در رابطه‌ی بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و چسبندگی پاداش مدیران نقشی ندارند. علاوه بر این، پژوهش آنها نشان داد که انحراف رفتار سهامداران نهادی در شرکت‌های غیردولتی و غربی تأثیر بیشتری دارد.

بینگ^۷ و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی ارتباط بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها طی بازه زمانی ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۴ پرداختند نتایج آنان نشان داد هنگامی که توجه سهامداران نهادی منحرف می‌شود شرکت‌های سرمایه‌پذیر اجتناب مالیاتی بیشتری انجام می‌دهند یعنی هنگامی که حاکمیت داخلی یک شرکت ضعیف می‌شود اجتناب مالیاتی شرکت افزایش می‌یابد.

گارل^۸ و همکاران (۲۰۲۱) طی پژوهشی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار آمریکا، که در بازه زمانی ۱۹۹۶ الی ۲۰۱۶ انجام شده است به بررسی ارتباط میان انحراف توجه سهامداران نهادی و مدیریت سود پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مدیران از فرصت کاهش توجه سرمایه‌گذاران نهادی سوء استفاده نموده و حجم مدیریت سود در آن شرکت‌ها افزایش یافت، زیرا در این شرایط بعد نظارتی این سرمایه‌گذاران کم اثر بوده و فضا برای انجام مدیریت سود گسترش می‌یابد.

چان^۹ و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی شرکت‌های آمریکایی و انحراف توجه سهامداران نهادی طی بازه زمانی ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۶ پرداختند. آنها با استفاده از ۳ معیار نوع اظهارنظر حسابرس، گزارش نقاط ضعف کنترل‌های داخلی و وقوع تحریف‌های بااهمیت حسابداری کیفیت حسابرسی را بررسی نمودند. نتایج آن‌ها نشان داد هنگامی که توجه سرمایه‌گذاران نهادی منحرف می‌شود کیفیت حسابرسی شرکت‌ها نیز کاهش می‌یابد. همچنین آن‌ها بیان کردند که نقش ریسک دعوی قضایی حسابرس، فشار حجم‌کاری، تخصص حسابرس در صنعت و پوشش تحلیلگر در کاهش ارتباط منفی بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت حسابرسی موثر است.

کمپف و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه موجود بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و اقدامات شرکتی در بازار بورس اوراق بهادار آمریکا طی بازه زمانی ۱۹۸۰ الی ۲۰۱۰ پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد زمانی که توجه سرمایه‌گذاران نهادی به شرکت‌های با بازدهی غیرعادی منحرف می‌شود، این انحراف توجه باعث کاهش موقت نظارت بر شرکت‌های سرمایه‌پذیر شده و در نتیجه احتمال برکناری مدیرعامل شرکت سرمایه‌پذیر کاهش می‌یابد و در نهایت بازده سهام شرکت‌ها تنزل می‌یابد.

نمازیان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین نرخ موثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین نرخ موثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد لیکن متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی تاثیری بر رابطه مذکور ندارد. همچنین نتایج نشان داد که اندازه شرکت، دارایی‌های ثابت و نرخ بازده دارایی‌ها سبب کاهش و عمر شرکت باعث افزایش اجتناب مالیاتی می‌گردد.

مختاری و جابری خسروشاهی (۱۴۰۱) به بررسی تاثیر کنترل‌های داخلی بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش تعدیل‌گری شهرت شرکت و مالکیت نهادی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که وجود یک رابطه معکوس و معنی‌دار بین کنترل‌های داخلی و اجتناب مالیاتی وجود دارد. به‌علاوه، نتایج حاکی از تأثیر مستقیم و معنی‌دار شهرت شرکت و مالکیت نهادی بر این رابطه است.

شهسوارزاده و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تاثیر نوع مالکیت سهامداران (نهادی و خرد) بر رابطه بین اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت‌ها طی بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ پرداختند. نتایج این پژوهش که با بررسی داده‌های ۱۱۱ شرکت انجام شد، نشان می‌دهد که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، ساختار مالکیت شرکت نیز بر این رابطه تأثیرگذار است.

صدیقی و دودکانلوی میلان (۱۴۰۰) به بررسی تاثیر بدهی و جریان‌های نقد آزاد بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش مالکیت نهادی طی بازه زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۸ در بازار سرمایه ایران

پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که میزان بدهی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر اجتناب مالیاتی است، در حالی که جریان نقد آزاد تأثیری بر آن ندارد. همچنین، نتایج نشان دادند که مالکیت نهادی نقش تعدیل‌گری در رابطه بین بدهی و اجتناب مالیاتی دارد و بر رابطه بین جریان‌های نقدی آزاد و اجتناب مالیاتی تأثیری ندارد.

فرضیه‌ها

مدیران به دلیل انگیزه‌های شخصی همواره تمایل دارند مبالغ پرداختی به سایر ذینفعان و از جمله مبلغ مالیات شرکت‌ها را کمتر از واقع ارزیابی و پرداخت نمایند که اصطلاحاً به این انگیزه پرداخت حداقلی مالیات، انگیزه‌های تقلیلی مالیات می‌گویند که البته در اغلب اوقات سهامداران نیز با این انگیزه مدیریت همسو می‌باشند. این انگیزه تقلیل‌دهندگی مالیات، مدیران را به سمت استفاده از انواع روش‌های قانونی و غیرقانونی کاهش مالیات متمایل می‌کند که باعث به وجود آمدن تفاوت مبلغ مالیات محاسبه شده شرکت با مالیات محاسبه شده توسط ممیزین مالیاتی می‌گردد که به این تفاوت شکاف مالیاتی می‌گویند. شکاف مالیاتی یعنی مبلغی است که مدیران سعی نمودند از پرداخت آن به دولت (تحت عنوان مالیات) امتناع نمایند ولی موفق به انجام آن نشدند. این شکاف مالیاتی را می‌توان به دو بخش اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی تفکیک نمود. اجتناب مالیاتی یعنی کاهش مبلغ مالیات از طرق و روش‌های قانونی مانند استفاده از خلاهای قانونی و فرار مالیاتی یعنی کاهش دادن مبلغ مالیات از طریق روش‌های غیرقانونی نظیر ارائه نادرست هزینه و درآمدها (جامعی و رمن، ۱۳۹۷: ۱۹۲). در ادبیات پژوهش به مواردی که برای اجتناب مالیاتی ذکر می‌شود، انتقال مالکیت از حوزه‌های با مبالغ بالا به حوزه‌های با مبالغ پایین اشاره می‌شود و برای فرار مالیاتی نیز به جعل اسناد و کتمان درآمد و بیش‌نمایی هزینه‌ها و فاکتورهای صوری و مواردی از این دست اشاره می‌شود.

انتظار بر این است که در اثر صحیح اداره کردن شرکت‌ها، انگیزه‌های کاهش حقوق ذینفعان و تضاد منافع بین مدیران و سایر ذی‌نفعان (از جمله مالیات پرداختی به دولت) کمرنگ شده و حقوق ذینفعان تضییع نگردد. برای اداره صحیح و منصفانه شرکت‌ها، طبیعتاً نیاز مبرم به ایفای نقش موثر ابزارهای کنترلی و نظارتی وجود دارد که نقش نظارتی سهامداران نهادی هم در همین راستا است. در صورتی که سهامداران نهادی از قدرت، نفوذ و دانش تخصصی خود در راستای جلوگیری و ممانعت از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت استفاده نموده و سلامت مالی و تداوم فعالیت شرکت مورد سرمایه‌گذاری خود را به عنوان هدفی بلندمدت مدنظر داشته باشند، انتظار می‌رود مانع رفتار تقلیلی مالیات شده تا مشکلات شرکت با دولت تشدید نشود و مانع اعمال جرم‌های مالیاتی شوند. لازم به ذکر است که هر چند اجتناب مالیاتی موجب نقض قانون نمی‌شود و شرکت‌ها با استفاده از خلاهای قانونی مبادرت به کاهش مبلغ مالیات می‌نمایند، ولی در هر حال رفتارهای کاهش‌ی مالیات ولو از طریق اجتناب مالیاتی موجب

ناخرسندی مقامات مالیاتی می‌گردد و سعی می‌نمایند تاثیرات آن را با افزایش دادن مبلغ مالیات خنثی نمایند. همانطوریکه قبلا ذکر شده است، نوع نظارت سهامداران نهادی تابع دو نظریه نظارت موثر و منافع شخصی می‌باشد که مطابق با نظریه نظارت موثر، سهامداران نهادی مانع رفتارهای فرصت طلبانه (از جمله کاهش دهنده‌گی مالیات) مدیران می‌شوند ولی مطابق با نظریه منافع شخصی، سهامداران رفتار مدیریت را در جهت تامین منافع شخصی خودشان کنترل و هدایت می‌نمایند و ضمناً انتظار می‌رود که نوع نقش نظارتی سهامداران نهادی در شرکت‌های بزرگ با شرکت‌های کوچک متفاوت باشد. با این توضیحات فرضیات پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی با معیار نرخ موثر مالیات نقدی (CETR) رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی با معیار کل تفاوت مالیات دفتری (TBTD) رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: اندازه شرکت بر رابطه بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی با معیار نرخ موثر مالیات نقدی (CETR) تاثیر دارد.

فرضیه چهارم: اندازه شرکت بر رابطه بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی با معیار کل تفاوت مالیات دفتری (TBTD) تاثیر دارد.

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر در قلمروی تحقیقات اثباتی است. با توجه به اینکه جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از اطلاعات تاریخی شرکت‌ها استفاده شده است، این پژوهش در قلمروی پژوهش‌های پس رویدادی قرار می‌گیرد. جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش، از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های موجود در سایت کدال و نرم افزار ره آورد نوین ۳ و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از نرم افزار ایویوز ۱۰ استفاده گردید. جامعه آماری این پژوهش با توجه به تاخیر در رسیدگی مالیاتی شرکت‌ها توسط سازمان امور مالیاتی طی بازه زمانی ۱۳۹۱ تا پایان سال ۱۳۹۸ انتخاب شده است. برای نمونه‌گیری در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک استفاده گردید بدین ترتیب که در مرحله اول تمام شرکت‌هایی که طی بازه زمانی پژوهش عضویت خود را در بورس اوراق بهادار تهران حفظ کرده بودند انتخاب گردید و در مرحله بعد شرکت‌هایی که فاقد شرایط زیر بودند از مجموع آنان حذف شدند و در نتیجه کلیه شرکت‌های باقی مانده به عنوان نمونه پژوهش برگزیده شدند: شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها انتهای اسفندماه باشد، سال مالی در دوره‌های مورد بررسی تغییر نداشته باشد، شرکت‌هایی که نماد معاملاتی آنان در بازه زمانی پژوهش متوقف نشده باشند، به علت همگن شدن شرکت‌ها، شرکت‌هایی که ماهیتا در رسته صنایع واسطه‌گری، بانک‌ها، سرمایه‌گذاری و شرکت‌های

بیمه نباشند، شرکت‌هایی که اطلاعات آنها در دسترس باشد، شرکت‌هایی که طی بازه زمانی پژوهش زیان‌ده نباشد. با توجه به معیارهای ذکر شده، ۸۳ شرکت طی بازه مذکور انتخاب گردید که در مجموع ۶۶۴ سال - شرکت می‌باشد که این داده‌ها جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

برای آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش از رابطه زیر استفاده شده است:

$$CETR_{i,t} \text{ or } TBTD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DIST_{i,t} + \beta_2 IO_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 CASH_{i,t} + \beta_7 PPE_{i,t} + INDUSTRY \times YEAR + \varepsilon_{i,t} \quad (۱)$$

$$CETR_{i,t} = \frac{TXPD}{PI} \quad \text{رابطه (۱-۱)}$$

CETR: نرخ موثر مالیات نقدی، TXPD: مالیات نقدی پرداختی، PI: سود قبل از مالیات

$$TBTD_{i,t} = STR - ETR \quad \text{رابطه (۲)}$$

TBTD: کل تفاوت مالیاتی دفتری، STR: نرخ قانونی مالیات، ETR: نرخ واقعی مالیات (نرخ موثر)

اجتناب مالیاتی در این پژوهش به دو شیوه متفاوت محاسبه شده است در روش اول از نحوه محاسبه (بینگ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۲۲) استفاده شده است که نرخ مالیات موثر نقدی (CETR)، برابر است با مالیات نقدی پرداخت شده بر اساس سود قبل از مالیات. در روش دوم نیز از کل تفاوت‌های مالیاتی دفتری (TBTD) استفاده شده است که به روش (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۲: ۲۵) محاسبه و برآورد می‌شود. لازم به ذکر است که کاهش مقدار نرخ موثر مالیات نقدی (CETR) به معنای کمتر پرداخت کردن مبلغ مالیات است که مفهوم آن بیشتر شدن میزان اجتناب مالیاتی (در مرحله پرداخت) است و کاهش مقدار کل تفاوت مالیات دفتری (TBTD) به معنای کاهش شکاف بین هزینه مالیات شناسایی شده شرکت و نرخ قانونی مالیات می‌باشد که مفهوم آن یعنی شناسایی منصفانه مبلغ مالیات توسط شرکت و پرهیز از اجتناب مالیاتی است.

نرخ واقعی مالیات (ETR) حاصل تقسیم هزینه مالیات شناسایی شده توسط شرکت بر درآمد قبل از مالیات می‌باشد. این نرخ گویای این است که مبلغ مالیات بردارنده شناسایی شده توسط شرکت معادل چند درصد درآمد قبل از کسر مالیات است. جهت محاسبه نرخ قانونی مالیات (STR) نیز مطابق با ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی مصوب سال ۱۳۸۸ رفتار گردید، بدین ترتیب که نرخ قانونی مالیات شرکت‌هایی که حداقل ۲۰ درصد سهام آنان شناور باشد معادل ۲۰ درصد و در غیر این صورت نرخ قانونی مالیات معادل ۲۲/۵ درصد در نظر گرفته شد. در این خصوص یادداشت پیوست صورت‌های مالی شرکت‌های مورد پژوهش

بررسی گردید تا از طریق اختلاف بین نرخ واقعی مالیات و نرخ قانونی مالیات میزان اجتناب مالیاتی مشخص گردد.

جهت آزمون فرضیه سوم و چهارم پژوهش از رابطه زیر استفاده شده است:

$$CETR_{i,t} \text{ or } TBTD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DIST_{i,t} * DUSize_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 IO_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 CASH_{i,t} + \beta_7 PPE_{i,t} + INDUSTRY \times YEAR + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۲)}$$

متغیر مستقل

متغیر اصلی این پژوهش که استفاده از آن موجب نوآوری پژوهش نیز شده است انحراف توجه سهامداران نهادی است. انحراف توجه به این معناست که گاهی میزان توجه و تحلیل اطلاعات توسط سهامداران نهادی نسبت به کلیه سرمایه‌گذاری‌های خود یکسان نیست و به برخی از سهام‌های سرمایه‌گذاری شده توجه بیشتر و به سایر سرمایه‌گذاری‌ها توجه کمتر می‌نمایند. که این کم توجهی موقت معلول و نتیجه جلب توجه سهامداران نهادی به سمت سرمایه‌گذاری‌هایی است که دارای بازدهی غیرعادی مثبت یا منفی شدند می‌باشد. برای اندازه‌گیری متغیر انحراف توجه سهامداران نهادی در سطح شرکت، از مدل (کمپف و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۶۶۷). استفاده شده است. طبق این مدل فرض بر این است سهامداران نهادی نمی‌توانند به طور همزمان حداکثر توجه خود را به تمام اوراق سهام سرمایه‌گذاری شده خود که معمولاً از طیفی گسترده برخوردار هستند، اعمال نمایند. و به طور طبیعی حداکثر توجه آنان (در کوتاه مدت) تنها معطوف به سرمایه‌گذاری‌هایی می‌گردد که دارای بازدهی غیرعادی هستند.

نحوه عملیاتی کردن متغیر انحراف توجه سهامداران نهادی به شرح زیر می‌باشد:

فرض کنید که شرکت F دارای دو سهامدار نهادی i و j می‌باشد و این سهامداران نهادی علاوه بر سرمایه‌گذاری در شرکت F در شرکت‌های دیگری که در صنایع متفاوتی فعالیت می‌نمایند، سرمایه‌گذاری کرده‌اند (در این پژوهش از روش ۱۲ صنعت فاما^{۱۲} و فرنج^{۱۳} جهت تقسیم بندی شرکت‌ها در صنایع مختلف استفاده شده است) در این حالت در یک بازه زمانی مشخص Q (فصل) مقدار انحراف توجه سهامداران نهادی i در شرکت F به این ترتیب محاسبه می‌شود که ابتدا درصد سرمایه‌گذاری سهامدار نهادی i در شرکت‌های شاغل در صنایع دارای بازدهی غیرنرمال (چه مثبت و چه منفی) را جمع نموده و در درصد سرمایه‌گذاری سهامداران نهادی i در شرکت f ضرب می‌نماییم و در نتیجه مقدار انحراف توجه سهامداران نهادی i در شرکت f محاسبه شده و سپس با همین روش مقدار انحراف توجه سهامداران نهادی j در شرکت f نیز محاسبه گردیده و با جمع دو مقدار انحراف توجه، کل انحراف توجه شرکت f محاسبه می‌شود. میزان انحراف توجه سهامداران نهادی در سطح شرکت با استفاده از رابطه زیر محاسبه گردید:

$$\text{Distraction}_{fq} = \sum_{i \in F_{q-1}} \sum_{\text{ind} \neq \text{ind}f} W_{ifq-1} \times W_{iq-1}^{\text{IND}} \times IS_q^{\text{IND}} \quad \text{رابطه (۳)}$$

مجموع حاصلضرب $W_{iq-1}^{IND} \times IS_q^{IND}$ در رابطه بالا گویای این است که به چه میزان توجه سرمایه‌گذار نهادی i به صنایعی که دارای بازدهی غیرعادی بوده‌اند جلب شده است و در نتیجه توجه آنان از صنایعی دارای بازدهی عادی بودند منحرف شده است. ضمناً با توجه به وابستگی میزان توجه سرمایه‌گذار نهادی، به درصد مالکیت و میزان ارزش بازار شرکت‌های سرمایه‌پذیر ضرورت دارد برای محاسبه دقیق‌تر متغیر انحراف توجه از معیار وزن استفاده شود که برای این اندازه‌گیری از رابطه شماره ۴ استفاده شده است:

$$W_{ifq-1} = \frac{QPFW_{ifq-1} + QPERCOWN_{ifq-1}}{\sum_{I \in F_{q-1}} (QPFW_{ifq-1} + QPERCOWN_{ifq-1})} \quad \text{رابطه (۴)}$$

در رابطه ۴ متغیر W_{ifq-1} نشان دهنده این است که وزن شرکت f در سبد سهامداران نهادی i در فصل قبل ($q-1$) چه مقدار می‌باشد. جهت همگن سازی داده‌های پژوهش و انجام آزمون فرضیه‌های استفاده شده از میانگین چهارفصل انحراف توجه سهامداران نهادی هر شرکت استفاده شده است. جهت اندازه‌گیری متغیر مستقل فرضیات سوم و چهارم پژوهش از ضرب انحراف توجه سهامداران نهادی در متغیر مجازی اندازه استفاده می‌گردد که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

متغیر مجازی اندازه ($DUSIZE$): اگر اندازه شرکت از میانگین موجود بیشتر باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد گرفت.

متغیرهای کنترلی پژوهش

در این پژوهش نیز براساس پژوهش (بینگ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۲۲) متغیرهای کنترلی زیر به عنوان متغیرهای اثرگذار بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در نظر گرفته شده است که عبارتند از: درصد مالکیت سهامداران نهادی (IO): که به صورت مجموع سهامداران نهادی شرکت محاسبه می‌گردد. زیرا اعتقاد بر این است با وجود نظارت سهامداران نهادی، رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت محدود شده و استفاده از برنامه‌ریزی مالیاتی در راستای قراردادهای کارا خواهد بود. اندازه شرکت ($SIZE$): عبارت است از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد. زیرا برای شرکت‌های بزرگ مشکلات نمایندگی و به تبعیت از آن فرصت کسب سود از اقدامات فرصت‌طلبانه بیشتر است که با نظارت محدود سهامداران نهادی، زمینه تحقق منافع شخصی مدیران با بکارگیری برنامه‌های مالیاتی را فراهم می‌کند. بازده دارایی‌ها (ROA): عبارت است از نسبت سود قبل از بهره و مالیات به دارایی‌ها که بیانگر ظرفیت کسب سود شرکت بر اساس منابع مولد در اختیار آن است که به عنوان یک روش تحلیلی، عدم تجانس آن با نتایج برنامه‌های مالیاتی می‌تواند نشانگر رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت باشد. نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB): عبارت است از ارزش بازار سهام تقسیم بر ارزش دفتری شرکت، چرا که فاصله شکاف قیمتی بالای سهام شرکت بیانگر عدم تقارن اطلاعاتی و لزوم

نظارت بیشتر بر رفتار مدیریت و تصمیمات مدیریت در زمینه رفتار مالیاتی است. نقد و معادل- های نقدی (CASH): که عبارت است از نسبت مجموع وجوه نقد و معادل‌های نقدی شرکت به دارایی‌ها، چرا که وجود مازاد نقدینگی در شرکت‌ها زمینه‌ساز ایجاد مشکلات نمایندگی و تمایل مدیریت برای استفاده از وجوه نقد مازاد برای سرمایه‌گذاری‌های با ارزش خالص فعلی منفی و در نتیجه اقدام به اجتناب مالیاتی برای ایجاد سپر امنی برای انعطاف بالای مدیریتی در تحقق منافع شخصی خواهد بود. دارایی‌های ثابت (PPE): که عبارت است از نسبت خالص دارایی‌های ثابت به مجموع دارایی‌ها که نشانگر پتانسیل کسب سود بیشتر و انگیزه مدیریت برای مدیریت سود و مدیریت مالیاتی است.

۴- یافته‌ها

آمار توصیفی و تجزیه و تحلیل آن

در جدول زیر آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. با توجه به جدول ارائه شده میانگین درصد مالکیت سهامداران نهادی معادل ۶۴/۱۵ درصد است؛ یعنی به طور متوسط حدود ۶۴ درصد از مالکیت شرکت‌های نمونه در اختیار سهامداران نهادی می‌باشد. میانگین انحراف توجه سهامداران نهادی برابر ۱۲/۷۵ درصد می‌باشد؛ یعنی به طور میانگین حدود ۱۲ درصد از توجه سهامداران نهادی شرکت‌های سرمایه‌پذیر دچار انحراف توجه شده و شدت نظارت آن‌ها کاهش یافته است، میانگین نرخ موثر مالیات نقدی (CETR) برابر با ۰/۱۸۲ است یعنی به طور متوسط به ازای هر ۱۰۰۰ ریال سود قبل از مالیات (در این جامعه آماری) معادل ۱۸۲ ریال به طور نقد مالیات پرداخت شده است و میانگین اجتناب مالیاتی با روش کل تفاوت مالیات دفتری (TBTD) برابر با ۰/۰۵۳ است که نشان دهنده این است که در این جامعه آماری نرخ شناسایی مالیات معادل ۱۷/۵ درصد بوده و معادل ۵ درصد با نرخ قانونی (۲۲/۵ درصد) تفاوت دارد که به بخشودگی‌ها و معافیت‌های مالیاتی و خلاهای قانونی مربوط می‌شود.

جدول (۱) - آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
اجتناب مالیاتی	CETR	۰/۱۸۲	۰/۱۶۹	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰	۰/۹۹۷
اجتناب مالیاتی	TBTD	۰/۰۵۳	۰/۰۴۳	۰/۲۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۴۳
انحراف توجه سهامداران نهادی	DIS	۱۲/۷۵	۷/۶۸۴	۹۸/۴۷	۰/۰۰۰	۱۴/۳۷
متغیر مجازی اندازه شرکت	DUSIZE	۰/۴۲۹	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۵
درصد سهامداران نهادی	IO	۶۴/۱۵	۷۱/۸۹	۹۸/۷۰	۰/۰۰۰	۲۵/۹۲
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۷۱	۱۴/۵۱	۲۰/۱۸	۱۰/۶۷	۱/۶۰۱
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۵۸	۰/۱۳۶	۰/۵۹۴	۰/۱۱۱	۱۱/۶۹
نسبت ارزش بازار به دفتری	MTB	۴/۱۶۳	۲/۷۷۷	۷۰/۶۱	۰/۳۰۱	۵/۳۳۴
نقد و معادل‌های نقدی	CASH	۰/۰۴۷	۰/۰۳۰	۰/۴۶۱	۰/۰۰۲	۰/۰۵۴
دارایی‌های ثابت	PPE	۰/۲۵۰	۰/۲۱۰	۰/۸۴۹	۰/۰۰۴	۰/۱۷۸

منبع: یافته‌های پژوهشگران

بر اساس تفکیک شرکت‌های مورد مطالعه به شرکت‌های بزرگ و کوچک و جدول شماره ۲، حدود ۴۳ درصد شرکت‌های مورد مطالعه را شرکت‌های بزرگ تشکیل می‌دهد، میانگین اجتناب مالیاتی بر اساس شاخص نرخ مالیات موثر نقدی و تفاوت مالیات دفتری، در هر دو برای شرکت‌های بزرگ بیشتر از شرکت‌های کوچک است یعنی در شرکت‌های بزرگ تمایل به رفتارهای اجتناب مالیاتی، بیشتر است و نیز میانگین اجتناب مالیاتی بر اساس نرخ موثر نقدی در شرکت‌های بزرگ، بیشتر از میانگین اجتناب مالیاتی بر اساس تفاوت مالیاتی است یعنی اجتناب مالیاتی شرکتها بیشتر از نوع نرخ موثر مالیاتی است.

جدول ۲: نتایج تحلیل فراوانی متغیرهای کیفی تحقیق

متغیر کیفی	مشاهدات	اندازه‌گیری	فراوانی	درصد
اندازه شرکت	۶۶۴	تعداد شرکت‌های با اندازه بزرگ	۲۸۰	۴۲/۹۵
		تعداد شرکت‌های با اندازه کوچک	۳۸۴	۵۷/۰۵
اجتناب مالیاتی - CETR	اندازه بزرگ	میانگین	۰/۲۰۱	۰/۱۹۵
	کوچک	میانگین	۰/۱۶۷	۰/۱۴۶
اجتناب مالیاتی - TBTD	بزرگ	میانگین	۰/۰۶۳	۰/۰۵۸
	کوچک	میانگین	۰/۰۴۵	۰/۰۳۱
		میانگین	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
		میانگین	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
		میانگین	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
		میانگین	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

قبل از تخمین مدل‌ها، ابتدا باید با اجرای آزمون‌های F لیمر و هاسمن، الگوی مناسب تخمین هر مدل مشخص شود؛ نتایج این آزمون در جدول زیر مشاهده می‌شود. در مورد مدل پژوهش معنادار نبودن آزمون‌های چاو نشان می‌دهد که مدل‌های یاد شده با استفاده از تخمین الگوی داده‌های ترکیبی با رویکرد تلفیقی برآورد شده‌اند.

جدول (۳) نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون	آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون
فرضیه (۱)	۰/۹۰۱۱	۰/۵۰۵۰	داده‌های تلفیقی	نیازی به آزمون هاسمن نیست	۰/۷۲۵	نیازی به آزمون هاسمن نیست
فرضیه (۲)	۰/۵۵۵۹	۰/۷۹۱۸	داده‌های تلفیقی	نیازی به آزمون هاسمن نیست	۰/۷۲۵	نیازی به آزمون هاسمن نیست
فرضیه (۳)	۰/۹۰۰۷	۰/۵۰۷۶	داده‌های تلفیقی	نیازی به آزمون هاسمن نیست	۰/۷۲۵	نیازی به آزمون هاسمن نیست
فرضیه (۴)	۰/۷۳۸۴	۰/۶۲۱۴	داده‌های تلفیقی	نیازی به آزمون هاسمن نیست	۰/۷۲۵	نیازی به آزمون هاسمن نیست

منبع: یافته‌های پژوهشگران

مقدار احتمال F در تمام فرضیه‌های پژوهش بیشتر از ۵ درصد است، داده‌ها به صورت تلفیقی می‌باشند و نیازی به آزمون هاسمن نمی‌باشد.

در این پژوهش برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس از آزمون بروش - پاگان - گادفری استفاده شده است. طبق این آزمون اگر آماره آزمون بدست آمده کمتر از ۵ درصد باشد، فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس رد می‌شود و مدل دارای ناهمسانی واریانس می‌باشد که طبق نتایج بدست آمده فرضیه‌های پژوهش فاقد ناهمسانی واریانس هستند.

جدول (۴) نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس

نتیجه آزمون	سطح معناداری	آماره	فرضیه مورد بررسی
همسانی واریانس	۰/۵۶۱۷	۰/۸۵۹۰	فرضیه (۱)
همسانی واریانس	۰/۰۵۱۰	۱/۸۸۰۴	فرضیه (۲)
همسانی واریانس	۰/۴۲۳۸	۰/۵۳۸۴	فرضیه (۳)
همسانی واریانس	۰/۰۶۷۱	۱/۲۶۷۸	فرضیه (۴)

منبع: یافته‌های پژوهشگران

نتایج آزمون فرضیه اول: مقدار آماره $F(۳/۶۴۰۴)$ و سطح خطای آن ($۰/۰۰۰۷$) نشان می‌دهد که مدل از معناداری بالایی برخوردار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده برای فرضیه اول که برابر ۱۲ درصد است، می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش، نشان دهنده ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته می‌باشند. مقدار آماره دوربین واتسون مدل برابر با عدد $۲/۳۱$ می‌باشد که نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی میان باقی مانده‌های مدل می‌باشد.

جدول (۵) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش

نام متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری
انحراف توجه سهامداران نهادی	DIS	-۰/۰۵۸۶	۰/۰۲۷۰	-۲/۱۶۶۴	۰/۰۱۸۵
درصد سهامداران نهادی	IO	۰/۰۱۱۸	۰/۰۰۴۵	۲/۵۹۱۳	۰/۰۰۶۱
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۱۴۱	۰/۰۲۵۲	-۰/۵۵۸۳	۰/۵۷۶۸
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۱۳۷	۰/۰۰۳۵	-۳/۸۶۳۶	۰/۰۰۰۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	-۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۷۲	-۰/۳۳۴۱	۰/۷۳۸۴
نقد و معادل‌های نقدی	CASH	۰/۲۳۹۴	۰/۷۵۰۹	-۰/۳۱۸۸	۰/۷۴۹۹
دارایی‌های ثابت	PPE	۰/۴۶۴۱	۰/۲۲۰۳	۲/۱۰۶۵	۰/۰۳۵۵
ضریب ثابت	C	۰/۰۳۰۸	۰/۳۶۸۵	-۰/۰۸۳۷	۰/۹۳۳۳
احتمال آماره‌ی F	F	۰/۰۰۰۷	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۲۷۱
آماره‌ی F	F	۳/۶۴۰۴	آماره دوربین واتسون		۲/۳۱۸۵

منبع: یافته‌های پژوهشگران

نتایج گویای این است که در سطح خطای ۵ درصد این فرضیه تایید می‌شود و بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و اجتناب مالیاتی (به روش نرخ موثر مالیات نقدی (CETR) رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این رابطه گویای این است که در صورتی که سهامداران نهادی نسبت به برخی از سرمایه‌گذاری‌های خود کم توجه شوند، میزان اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد زیرا نرخ موثر مالیات نقدی کاهش می‌یابد. همچنین در بین متغیرهای کنترلی درصد مالکیت سهامداران نهادی و دارایی‌های ثابت شرکت رابطه مثبت و معنادار و متغیر بازده دارایی‌ها رابطه منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم: مقدار آماره $F(۲/۰۶۷۸)$ و سطح خطای آن ($۰/۰۰۰۸$) نشان می‌دهد که مدل از معناداری بالایی برخوردار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده برای فرضیه اول که برابر ۱۱ درصد است، می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش، نشان دهنده ۱۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته می‌باشند. مقدار آماره دوربین واتسون مدل برابر با عدد $۲/۱۷$ می‌باشد که نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی میان باقی مانده‌های مدل می‌باشد.

جدول (۶)- نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش

نام متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری
انحراف توجه سهامداران نهادی	DIS	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	-۲/۷۸	۰/۰۱۰
درصد سهامداران نهادی	IO	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-۲/۲۷۲	۰/۰۰۲
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	۲/۰۲۷	۰/۰۴۱
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	-۰/۳۹۷	۰/۶۹۱
نسبت ارزش بازار به دفتری	MTB	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	-۰/۸۸۳	۰/۳۷۷
نقد و معادل‌های نقدی	CASH	-۰/۰۵۵	۰/۰۵۶	-۰/۹۸۵	۰/۳۲۴
دارایی‌های ثابت	PPE	۰/۰۶۵	۰/۰۲۵	۲/۶۱۵	۰/۰۰۹
ضریب ثابت	C	-۰/۰۰۳	۰/۰۶۲	-۰/۰۵۲	۰/۹۵۸
احتمال آماری F		۰/۰۰۰۸	ضریب تعیین تعدیلی		۰/۱۱۲۴
آماره F		۲/۰۶۷۸	آماره دوربین واتسون		۲/۱۷۵۹

منبع: یافته‌های پژوهشگران

نتایج گویای این است که در سطح خطای ۵ درصد این فرضیه تایید می‌شود و بین انحراف توجه سرمایه‌گذاران نهادی و اجتناب مالیاتی به روش کل تفاوت‌های مالیاتی دفتری (TBTD) رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون می‌توان نتیجه گرفت که به موازات افزایش کم توجهی سهامداران نهادی، میزان اجتناب مالیاتی نیز کاهش می‌یابد. همچنین در بین متغیرهای کنترلی دارایی‌های ثابت و اندازه شرکت رابطه مثبت و معنادار و متغیر درصد سهامداران نهادی رابطه منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند.

نتایج آزمون فرضیه سوم: مقدار آماره F (۳/۲۳۱۶) و سطح خطای آن (۰/۰۰۱۲) نشان می‌دهد که مدل از معناداری بالایی برخوردار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده برای فرضیه سوم که برابر ۱۲ درصد است، می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش، نشان دهنده ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته می‌باشند. مقدار آماره دوربین واتسون مدل برابر با عدد ۲/۳۱ می‌باشد که نشان دهنده عدم خودهمبستگی میان باقی مانده‌های مدل می‌باشد.

جدول (۷) نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش

نام متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری
انحراف توجه سهامداران نهادی	DIS	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	-۲/۳۹۱	۰/۰۱۶
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۳۱	۰/۰۱۳	۲/۳۳۷	۰/۰۰۲
انحراف توجه سهامداران نهادی*اندازه	DIS * DUSIZE	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۲/۳۷۷	۰/۰۲۵
درصد سهامداران نهادی	IO	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۲/۳۰۲	۰/۰۱۸
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۵	-۳/۱۰۱	۰/۰۰۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	-۰/۲۲۳	۰/۶۱۹
نقد و معادل‌های نقدی	CASH	۰/۰۵۲	۰/۰۴۴	۱/۱۸۳	۰/۵۱۴
دارایی‌های ثابت	PPE	۰/۳۸۳	۰/۲۶۴	۱/۴۵۱	۰/۰۷۲
ضریب ثابت	C	۰/۰۷۴	۰/۰۲۶	۲/۸۳۱	۰/۰۰۳
احتمال آماری F		۰/۰۰۱۲	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۲۵
آماره F		۳/۲۳۱۶	آماره دوربین واتسون		۲/۳۱۷

منبع: یافته‌های پژوهشگران

یافته‌ها گویای این است که در سطح خطای ۵ درصد این فرضیه تایید می‌شود و اندازه شرکت بر رابطه بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی با معیار نرخ موثر مالیات نقدی (CETR) تاثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین در بین متغیرهای کنترلی درصد سهامداران

نهادی، بازده دارایی‌ها و انحراف توجه سهامداران نهادی رابطه منفی و معنادار و متغیر کنترلی اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند. نتایج آزمون فرضیه چهارم: مقدار آماره $F(2/6016)$ و سطح خطای آن $(0/0003)$ نشان می‌دهد که مدل از معناداری بالایی برخوردار است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده برای فرضیه چهارم که برابر ۱۱ درصد است، می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش، نشان دهنده ۱۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته می‌باشند. مقدار آماره دوربین واتسون مدل برابر با عدد $2/12$ می‌باشد که نشان‌دهنده عدم خودهمبستگی میان باقی مانده‌های مدل می‌باشد.

جدول (۸) نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم پژوهش

نام متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری
انحراف توجه سهامداران نهادی	DIS	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	-۲/۴۴۷	۰/۰۱۷
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۸۵	۰/۰۰۳	۲/۲۹۳	۰/۰۲۲
انحراف توجه سهامداران نهادی * اندازه	DIS * SIZE	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	-۲/۲۷۵	۰/۰۲۳
درصد سهامداران نهادی	IO	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۴	-۲/۳۴۱	۰/۰۰۱
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۵۱۷	۰/۶۲۸
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	-۰/۸۹۱	۰/۳۷۳
نقد و معادل‌های نقدی	CASH	-۰/۰۵۶	۰/۰۵۶	-۰/۹۹۴	۰/۳۲۰
دارایی‌های ثابت	PPE	۰/۰۶۶	۰/۰۲۵	۲/۶۳۸	۰/۰۰۸
ضریب ثابت	C	-۰/۰۰۹	۰/۰۵۵	-۰/۱۷۱	۰/۸۶۳
احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰۳	ضریب تعیین تعدیلی		۰/۱۱۸
آماره‌ی F		۲/۶۰۱۶	آماره دوربین واتسون		۲/۱۲۱

منبع: یافته‌های پژوهشگران

یافته‌ها گویای این است که در سطح خطای ۵ درصد این فرضیه تایید می‌شود و اندازه شرکت بر رابطه بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی با معیار کل تفاوت مالیات دفتری (TBTD) تاثیر منفی و معناداری دارد. همچنین در بین متغیرهای کنترلی، درصد سهامداران نهادی و انحراف توجه سهامداران نهادی رابطه منفی و معنادار و متغیرهای دارایی‌های ثابت و اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی رابطه بین کم‌توجهی سهامدار نهادی و کاهش بُعد نظارتی آنان بر میزان اجتناب مالیاتی پرداخته شد که متغیر اجتناب مالیاتی نیز با دو معیار نرخ موثر مالیات نقدی و تفاوت مالیات دفتری محاسبه گردید. ضمناً از آنجائیکه تحلیل رفتار شرکت‌های بزرگ و کوچک در خصوص پدیده اجتناب مالیاتی از اهمیت بسزایی برخوردار است، سعی گردید در این پژوهش به این نکته با اهمیت نیز توجه شود. لازم به ذکر است که تفاوت دو معیار بکار رفته در خصوص اجتناب مالیاتی بر اجتناب از (۱) پرداخت نقدی مالیات و (۲) شناسایی مبلغ هزینه مالیات توان مقایسه اجتناب مالیاتی را در دو مقطع شناسایی و پرداخت مالیات میسر می‌کند که بخشی از جنبه نوآوری پژوهش نیز می‌باشد. با توجه به مطالب گفته‌شده و با توجه به

نتایج حاصله نسبت به کل جامعه آماری (مجموع شرکت‌های بزرگ و کوچک) می‌توان استنباط نمود که هر قدر کم‌توجهی سهامداران نهادی و کاهش اشراف نظارتی آنان زیاد شود، پرداخت‌های نقدی مالیات کاهش یافته ولی شناسایی مبلغ مالیات منصفانه‌تر و واقع‌بینانه‌تر می‌شود. به عبارت دیگر از مقایسه نتایج به دست آمده آزمون دو فرضیه می‌توان نتیجه‌گیری نمود که سهامداران نهادی بر شناسایی کمتر میزان مالیات ولی پرداخت منصفانه نقدی مالیات تاکید می‌نمایند که کم‌توجهی این گروه از سهامداران قدرتمند، تعادل مذکور را از بین می‌برد.

با توجه به مقایسه نتایج به دست آمده چنین استنباط می‌شود که در شرکت‌های بزرگ قضیه متفاوت است؛ بدین معنا که در شرکت‌های بزرگ سهامداران نهادی هم در مرحله شناسایی مبلغ مالیات و هم در مرحله پرداخت مبلغ مالیات متقاضی اجتناب مالیاتی می‌باشند و هنگامی که این سهامداران نهادی شرکت‌های بزرگ دچار کم‌توجهی شده و بعد نظارتی آنان کاهش می‌یابد، هم پرداخت‌های نقدی مالیات منصفانه‌تر می‌شود (پرداخت‌ها بیشتر می‌شود) و هم تفاوت‌های دفتری مالیات کاهش می‌یابد (یعنی شناسایی هزینه مالیات به نرخ قانونی نزدیکتر می‌شود) و مبلغ مالیات منصفانه‌تر شناسایی می‌گردد. به عبارت دیگر در شرکت‌های بزرگ کم‌توجهی و عدم نظارت کافی سهامداران نهادی باعث می‌شود که مدیران شرکت‌های مذکور زیر فشار سهامداران نهادی خارج شده و متمایل به رفتاری می‌شوند که با مشی تجاری آنان همخوانی بیشتری دارد و نتایج بدست آمده گویای این است که خارج شدن مدیر از زیر چتر نظارتی سهامداران نهادی منجر به این شده است که پرداخت نقدی مالیات منصفانه‌تر و شناسایی مبلغ مالیات نیز با نرخ‌های قانونی انطباق بیشتری می‌یابد که این تصور را در اذهان ایجاد می‌نماید که در جامعه آماری تحقیق نفوذ و کنترل سهامداران نهادی منتج به مالیات‌گریزی می‌شود و نبود نفوذ و کنترل سهامداران نهادی مذکور این خصوصیات مالیات‌گریزی را تعدیل می‌نماید. لازم به ذکر است که نتایج حاصل از آزمون فرضیات اول، سوم و چهارم با نتایج پژوهش بینگ و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی داشته ولی نتیجه حاصل از آزمون فرضیه دوم با نتایج پژوهش بینگ و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی ندارد. همانطوری که قبلاً ذکر گردید از آنجایی که تاکنون مقایسه اجتناب مالیاتی با دو معیار پرداخت و شناسایی مالیات بطور همزمان در ایران انجام نشده است، نتایج حاصله قابل تامل و اهمیت‌دار محسوب می‌شود. به عبارتی دیگر از مجموع نتایج فرضیات پژوهش استنباط می‌گردد که نوع نظارت سهامداران نهادی در شرکت‌های بزرگ مطابق با فرضیه منافع شخصی می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل شده به سرمایه‌گذاران بالقوه ریسک‌گریز پیشنهاد می‌گردد که شرکت‌های کوچک را در اولویت تصمیمات سرمایه‌گذاری خود قرار داده و کمتر مبادرت به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بزرگ نمایند، زیرا احتمالاً مشکلات مالیاتی در شرکت‌های بزرگ (بدلیل تمایلات سهامداران نهادی) بیشتر از شرکت‌های کوچک می‌باشد. همچنین به

تدوین‌کنندگان قواعد حاکمیت شرکتی و سیاست‌گذاران مالیاتی پیشنهاد می‌گردد تفاوت تمایلات تقلیل‌دهندگی مالیات را در شرکت‌های بزرگ و کوچک مد نظر قرار داده و حتی الامکان در خصوص شرکت‌های بزرگ مقررات سختگیرانه‌تری در نظر گرفته شود زیرا برآیند نتایج پژوهش گویای این است که شرکت‌های بزرگ در صورت کمرنگ شدن نظارت بر آنان، تمایل به اجتناب مالیاتی بیشتری دارند. ضمناً به محققین پیشنهاد می‌گردد به بررسی رابطه بین انحراف توجه سهامداران نهادی و کیفیت گزارشگری بپردازند زیرا احتمال دارد در فضای کم توجهی سهامداران نهادی کیفیت گزارشگری مالی تنزل یابد.

لازم به ذکر است که هیچ پژوهشی فاقد محدودیت نیست و گاهی این محدودیت‌ها استفاده از نتایج پژوهش را تامل برانگیز می‌نماید. در این تحقیق می‌توان فاصله زمانی اعلام سود خالص و مبلغ مالیات ابرازی با مالیات تشخیصی شرکت و مالیات پرداخت شده را به عنوان محدود این پژوهش ذکر نمود که این فاصله زمانی موجب می‌شود حداقل سه سال از داده‌های شرکت-ها مورد استفاده قرار نگیرد.

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------|---------------------|
| 1. Jensen | 6. Hong and Cao |
| 2. Dai | 7. Bing |
| 3. Kempf | 8. Garel |
| 4. Shleifer and Vishny | 9. Chan |
| 5. Kim | 10. Fama and French |

کتابنامه

بزرگ‌اصل، موسی؛ باباجانی، جعفر؛ امیری، میثم و جعفری خوشه مهر، اشرف. (۱۴۰۱). ارزیابی اثر اصول حاکمیت شرکتی بر سلامت مالی بانک‌ها. *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، (۱۲)۵، ۲۲۰۱-۲۲۲۳.

جامعی، رضا، و رمن، حجت. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی با رویکرد مدل معادلات ساختاری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۸ (پیاپی ۲۹)، ۱۸۵-۲۰۹.

دودکانلوی میلان جلال، صدیقی روح اله. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر بدهی و جریان‌های نقد آزاد بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش مالکیت نهادی. *پژوهشنامه مالیات*. ۲۹ (۵۲): ۱۳۱-۱۵۲. زهی، نقی و شهرزاد محمدخانلی، شهرزاد. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی). *پژوهشنامه مالیات*، ۱۸ (۹)، ۲۵-۶۰.

شهباززاده، محمد؛ ناظمی اردکانی، مهدی؛ عظیمی، آزاد و علیزاده، جواد. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر نوع مالکیت سهامداران (نهادی و خرد) بر رابطه بین اجتناب مالیاتی با ارزش شرکتها. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۲ (۳)، ۲۸۱-۳۰۰.

- عبدلی، قهرمان و حیدری، محمد. (۱۴۰۰). بررسی واکنش نامتناسب سرمایه‌گذاران در بازار سهام ایران. *راهبرد مدیریت مالی*، ۹(۴)، ۸۷-۱۰۶.
- مختاری، باقر و جابری خسروشاهی، آیناز. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر کنترل های داخلی بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش تعدیلگری شهرت شرکت و مالکیت نهادی. *چشم انداز حسابداری و مدیریت*، ۵(۶۳)، ۱۲۰-۱۳۸.
- مهرانی، ساسان و سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه‌کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۳(۱۰)، ۳۴-۱۳.
- نمازیان، علی، پورحیدری، امید و زینلی، حدیث. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر فرار مالیاتی و فساد مالیاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۳)، ۵۰۷-۵۳۲.

References

- Abdoli, G. & Hedari, M. (2022). Investigating the Disproportionate Reaction of Investors in the Iran Stock Market. *Journal of Financial Strategy Alzahra University*, 9(35), 87-106, (in Persian).
- Adebayo Olagunju, Micah Christian Leyira. (2012). Audit Expectation Gap: Perspectives of Auditors and Audited Account Users. *International Journal of Development and Management Review*. 7(1). 197-215.
- Amirpour Saeed, S. (2020). Stratification and social inequality: Examining Max Weber's view on social stratification. *Applied studies in social sciences and sociology*. 5(8), 51-60. (In Persian).
- Arad, H., S.M., Moshashae, F., Bayanfar. (2022). Audit Commercialization and Auditors' Subjective Wellbeing: An Analysis of the Iranian Audit Environment. *Accounting and Auditing Review*. 29(1), 1-25. (In Persian).
- Bing Li, Zhenbin Liu, Rui Wang. (2021). When dedicated investors are distracted: The effect of institutional monitoring on corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Public Policy*. 40: 122-141.
- Bozorg Asl, M., Babajani, J., Amiri, M., & Jafari Khoshe Mehr, A. (2022). Evaluating the effect of corporate governance principles on the financial health of banks. *Iranian Scientific Monthly of Sociology*, 5(12), 2202-2223, (in Persian).
- Chan, D. K, Li, X. & Xin, Q. (2021). Institutional investor inattention and audit quality, *Accounting and Public policy*, 64(4), 123-147.

- Dai, L., Dharwadkar, R., Shi, L. & Zhang, B. (2017). The governance transfer of blockholders: evidence from block acquisitions and earnings management around the world. *Journal of Corporate Finance*, 45(5), 586–607.
- Garel, A., J. M. Martin-Flores, A. Petit-Romec, and A. Scott, (2021), Institutional investor distraction and earnings management. *Journal of Corporate Finance*, 66(2), 1-22.
- Hong, Y., & Cao, C.(2023). Institutional Investors' Distraction and Executive Compensation Stickiness Based on Multiple Regression Analysis. *Journal of Risk and Financial Management*, 16(120), 1-21.
- Jamei, R., Reman, H. (2018). Examining the effect of agency costs on the tax gap with the structural equation model approach, *Experimental Accounting Research*, 8(29), 185-209, (in Persian).
- Jensen, M.C. (1986) Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance, and Takeovers. *The American Economic Review*, 76, 323-329.
- Kempf, E., Manconi, A., Spalt, O. (2017). Distracted shareholders and corporate actions. *The Review Financial Studies*, 30(5), 1660–1695.
- Kim, O (1993). Disagreements among shareholders Over a Firm's Disclosure Policy, *Journal Finance*, 48(2), 747 – 760.
- Mehrani, S., Seidi, S. (2014). Investigating the impact of income tax and conservative accounting on corporate tax avoidance, *Iran Management Accounting Association*, 3(10), 13-34, (in Persian).
- Mokhtari, B., Jabri Khosrowshahi, A. (2022). Examining the effect of internal controls on tax avoidance with emphasis on the moderating role of company reputation and institutional ownership, *Accounting and Management Perspective Quarterly*, 5(63), 120-138, (in Persian).
- Namazian, A., Pourheidari, A., Zainli, H. (2022). Investigating the effect of the effective tax rate and the quality of corporate governance on tax avoidance in companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Financial Management Strategy Quarterly*. 10(39), 177-196, (in Persian).
- Seddighi, R., Dudkanloi Milan, J. (2021). Investigating the impact of debt and free cash flows on tax avoidance with an emphasis on the role of institutional ownership, *Tax Research Journal*, 29(52), 131-152, (in Persian).
- Shahsavarzadeh, M., Nazemi Ardakani, M., Azimi, A., & Alizadeh, J. (2022). The Impact of Ownership Type of Shareholders (Institutional and Non – Institutional) on the Relation between Tax avoidance and Firm Value. *Journal of Empirical Research In Accounting*, 12(45), 339-360. (in Persian).

Shleifer, A. & Vishny, R. W. (1986). Large shareholders and corporate control. *Journal of Political Economy*, 94(3), 461-488.

Zahi, N., Mohammadkhani, Sh. (2010). Investigating factors affecting extra-taxes (a case study of East Azarbaijan province), *Research Journal of taxation*, 18(9), 25-60, (in Persian).